

## آرماندو گلر - آلبرت استاهل<sup>۱</sup>

آسیای مرکزی ذخایر بزرگی از منابع تجدیدناپذیر مانند نفت، گاز و آب دارد. موقعیت جغرافیایی آسیای مرکزی در کل و افغانستان به طور خاص، طی چند قرن متمادی نقشی استراتژیک در تجارت میان اروپا و آسیا ایفا نموده است. کنترل افغانستان در واقع کنترل بخشی از آسیای مرکزی و شاید فراتر از آن می باشد. بنابراین منطقی است که بازیگران بین المللی و منطقه ای بکوشند تا با تأکید بر منافع خود بطور مستقیم و یا با اتخاذ یک استراتژی غیر مستقیم، برای تأثیر گذاشتن بر کشورهای دیگر، دستی در افغانستان داشته باشند.

این مقاله بر نخستین نکته اشاره شده در دعوتنامه کنفرانس: «موقعیت منابع انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز در امنیت انرژی جهانی» متمرکز می باشد. چند هفته پیش، زمانی که عازم افغانستان بودیم، بار دیگر شگفت زده شدیم که چرا این کشور برای بسیاری از بازیگران منطقه ای و بین المللی از چنین اهمیتی برخوردار می باشد. از سوی دیگر، یافتن دلیل آن دشوار است که چرا این کشور مورد حمله نیروهای انگلیس و شوروی سابق واقع شد، متحمل جنگ داخلی گردید، به بلای طالبان دچار شد و اخیراً بوسیله ائتلاف تحت رهبری آمریکا مورد حمله قرار گرفت. در تمام این موارد، بازیگران مجاور افغانستان نقش بزرگی را ایفا نمودند. هزینه چنین تلاش هایی مبین آن است که افغانستان از لحاظ منطقه ای و شاید جهانی اهمیت حیاتی دارد.

در این مقاله، ویژگی های ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی را با تجزیه و تحلیل

۱. از محققین و اساتید آکادمی نظامی سوئیس و دانشگاه زوریخ می باشند. این مقاله در دوازدهمین کنفرانس بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز (۲۲-۲۱ مهرماه ۱۳۸۳ تهران) ارائه و توسط آقای سعید نقی زاده از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

موقعیت جغرافیایی و سیاسی افغانستان به کمک تئوری سیستم‌ها مورد بررسی قرار خواهیم داد. تحلیل مربوط به افغانستان این امکان را فراهم می‌نماید تا تصویر درستی از منافع اصلی بازیگران مختلف در این منطقه ارائه شود و ما را دوباره در برابر این سؤال اساسی قرار می‌دهد که: به نفع چه کسی؟ هم‌چنین پاسخی به این سؤال است که چرا آمریکا و بسیاری از دیگر بازیگران منطقه‌ای نسبت به کنترل این منطقه بسیار علاقمند می‌باشند؟<sup>(۲)</sup>

### رویکرد سیستمی به منابع انرژی در آسیای مرکزی

ابتدا بطور خلاصه به طرح رئوس نظرات خود در خصوص تئوری سیستم‌ها در روابط بین‌الملل می‌پردازیم. برای نیل به این منظور، تفکرات و اندیشه کینت ان والتز<sup>۱</sup> (۱۹۷۱) را از نزدیک پی می‌گیریم. والتز (۶۰-۷۸: ۱۹۷۱) میان فرضیه‌های سیستم و Reductionist تمایز قائل می‌شود. والتز (۶۰: ۱۹۷۱) فرضیه مذکور را به عنوان فرضیه مربوط به عملکرد بخشهایی از یک سیستم بین‌الملل، مورد انتقاد قرار می‌دهد. او چنین استنتاج می‌نماید که آنان سعی بر آن دارند تا پدیده‌های سیاسی - بین‌المللی را با بررسی رفتارها و کنش‌های متقابل کشورها و سایر بازیگران تبیین نمایند (والتز ۶۲-۱۹۷۱). یا بطوری که وی (والتز ۶۵: ۱۹۷۱) بیان می‌کند: «درک سیاستهای جهانی صرفاً با نگاه به درون دولت‌ها امکان پذیر نمی‌باشد». این سخن بیانگر آن است که بنابه عقیده وی، سیستم بین‌الملل مشتمل بر دو سطح می‌باشد: سطح واحدها یعنی کشورها و یا سایر بازیگران و سطح سیستم‌ها. یا بنابه گفته والتز (۴۰: ۱۹۷۱): «در یک سطح، یک سیستم شامل ساختاری است که این ساختار جزئی از سطح سیستم‌ها می‌باشد و امکان تفکر در مورد واحدهایی را که به صورت رشته‌ای جدا از یک مجموعه صرف می‌باشند، فراهم می‌نماید. در سطح دیگر، سیستم شامل واحدهایی با کنش متقابل است». براساس برداشت والتز (۷۳: ۱۹۷۱)، ساختار به شکل مجموعه‌ای از «شرایط محدودکننده» عمل می‌کند، به این معنی

1. Kenneth N. Waltz

که سیاست‌های سطح بازیگران بدلیل قیدوبند سیستمی نتایج مورد نظر را در بر ندارد.<sup>(۳)</sup> خلاصه این بحث چنین است که سیستم روابط بین‌الملل مشتمل بر دو سطح می‌باشد: سطح عوامل باکنش متقابل و سطح سیستم‌ها. زمانی که سطح سیستم‌ها، کنش‌های متقابل کنشگران را محدود می‌سازد، آنها ساختار سطح سیستم‌ها را شکل داده و بر آن تأثیر می‌گذارند. با عنایت به نظرات بیان شده، اینک به سطح سیستم‌ها و بویژه سطح واحدها در زمینه منابع استراتژیک انرژی در آسیای مرکزی می‌پردازیم.

### منابع استراتژیک کدامند؟

کارل فون کلازویتز<sup>۱</sup> (۱۹۵۲:۲۴۳) استراتژی را استفاده از منازعات در جهت برپایی جنگ تعبیر نمود. جنگ در دیدگاه کلازویتز چیزی فراتر از یک منازعه گسترده نیست (کلازویتز ۱۹۵۲:۸۹). اینک تعبیری از استراتژی را در جهت اهداف خود بیان می‌کنیم: استراتژی استفاده از ابزارهای معین برای تسلط و تفوق بر حریف می‌باشد. در حالت مورد نظر ما، این ابزارها منابع و بطور مشخص منابع استراتژیک هستند. بانک جهانی منابع را چنین تعریف می‌نماید: «ماشین‌آلات، کارگران، نقدینگی، زمین، موادخام و سایر چیزهایی که یک کشور برای تولید کالا و خدمات و رشد اقتصادی خود مورد استفاده قرار می‌دهد. منابع ممکن است تجدیدپذیر و یا تجدیدناپذیر باشند».<sup>(۴)</sup> بنابراین، منابع استراتژیک ممکن است برای غلبه بر یک رقیب، نه به مفهوم نظامی بلکه بیشتر از لحاظ اقتصادی - سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. کلازویتز (۱۹۵۲:۱۰۸) همچنین خاطر نشان می‌سازد که جنگ صرفاً پیگیری سیاست با ابزار دیگری است. بطور خلاصه می‌توان گفت که منابع استراتژیک ابزاری جهت غلبه بر یک حریف در درازمدت می‌باشند.<sup>(۵)</sup> مفهوم منابع استراتژیک به سیاق نگرش سیستمی چگونه در زمینه منابع استراتژیک آسیای مرکزی قابل تطبیق می‌باشد؟

1. Carl von Clausewitz

## سیستم

ابتدا به سطح سیستم‌ها اشاره می‌شود. عوامل محدودکننده زمینه سیاسی آسیای مرکزی و افغانستان دو مورد ذیل می‌باشد:

۱. از لحاظ جغرافیایی، منطقه بشدت میان کوه‌های هندوکش، پامیر و تیان‌شان محصور شده است.

۲. رشد اقتصاد جهانی از یک سو بر اهمیت منابع تجدیدناپذیر افزوده و از طرف دیگر وابستگی متقابل میان بازیگران سیاسی - اقتصادی را فزون‌تر کرده است. بنابراین، آسیای مرکزی با ذخایر سرشار از منابع تجدیدناپذیر، بصورت محوری در توسعه اقتصاد جهان درآمده است. (۶)

با در نظر گرفتن مورد نخست، موقعیت جغرافیایی آسیای مرکزی در کل و افغانستان بطور خاص، طی چند قرن متمادی نقشی استراتژیک در تجارت میان اروپا و آسیا ایفا نموده است. جاده معروف ابریشم از آسیای مرکزی عبور نموده و شرق و غرب را به هم متصل می‌سازد. این جاده مسیر زمینی بزرگی جهت حمل کالا از اروپا به آسیا و بالعکس بوده است. نشانه‌های زیادی حاکی از آن است که این مسیر در حال احیاء بوده و اروپا را به دو بازار اقتصادی بالقوه قدرتمند یعنی هند و چین متصل می‌سازد. (۷) بنابه اعلام رادیو بی. بی. سی، طرح‌هایی جهت احداث بزرگ راهی از سواحل شرق چین به اروپا وجود دارد. (۸)

با نگاهی به تحولات اخیر در مسیر به اصطلاح جاده ابریشم جدید می‌توان دریافت که افغانستان و دو محور اصلی آن (هرات - قندهار - کویته و مزارشریف - کابل - پیشاور) کانون مهمی برای این شبکه حمل و نقل و ارتباطی جدید، که در حال توسعه سریع می‌باشد، قلمداد می‌شوند. حتی اگر خود افغانستان میزان چشمگیری از منابع استراتژیک را در دسترس قرار ندهد، امکان ارائه انواع متعددی از منابع استراتژیک نظیر نفت و گاز را فراهم می‌نماید. (۹) ممکن است چنین گفته شود که هرکس بخواهد بخش‌هایی از این سیستم حمل و نقل و ارتباطات در

حال ظهور دوباره را کنترل نماید، باید افغانستان را نیز تحت کنترل داشته باشد. این سخن به وضوح نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی عامل الزام سیستمی در منطق والتز می‌باشد. اما، این فقط یک روی سکه است. منابع استراتژیک منطقه البته با موقعیت جغرافیایی پیوند نزدیکی داشته و بر سرنوشت آسیای مرکزی و بویژه افغانستان تأثیر می‌گذارند. همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، آسیای مرکزی ذخایر بزرگی از منابع تجدیدناپذیر مانند نفت، گاز و آب را دارا می‌باشد.<sup>(۱۰)</sup> طرف عرضه کننده و نیز طرف تقاضا کننده می‌خواهند از این منابع در جهت منافع سیاسی-اقتصادی خاص خود بهره‌برداری نمایند. ساختار سیستم یعنی جغرافیا حتی اگر قابل تغییر نباشد ولی با افغانستان و یا خارج از آن می‌تواند بطور قابل ملاحظه‌ای تحت کنترل قرار گیرد. پس از تبیین ساختار سیستم یعنی سطح سیستم‌ها، اینک توجه خود را به سطح بازیگران معطوف می‌نمائیم.

## بازیگران

چنانچه گفته شد، کنترل افغانستان به معنی کنترل بخشی از آسیای مرکزی و شاید فراتر از آن می‌باشد. بنابراین منطقی است که بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای متعدد بکوشند تا با تأکید بر منافع خود بطور مستقیم و یا با اتخاذ یک استراتژی غیرمستقیم، برای تأثیر گذاشتن بر کشورهای دیگر، دستی در افغانستان داشته باشند تا به اهداف خود از طریق یک میانجی نائل گردند. «بازی بزرگ» تاریخی برای ما شناخته شده است. اما با فروپاشی شوروی «بازی بزرگ جدیدی» پدیدار گردید.<sup>(۱۱)</sup> بازیگران این بازی بزرگ جدید چه کسانی می‌باشند؟

میان دو نوع متفاوت از بازیگران تمایز وجود دارد: اولاً- همسایگان مستقیم افغانستان یعنی پاکستان، ایران، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و چین، کم و بیش در افغانستان دخالت دارند. در درجه اول بدلیل محدودیتهای سیستم و در درجه دوم بدلیل ملاحظات استراتژیک خود که این نیز ناشی از نکته نخست می‌باشد. این همان جایی است که سطح

سیستم‌ها و سطح واحد در هم گره می‌خورند.

پاکستان با کنترل ماهرانه سیاستهای داخلی افغانستان، می‌تواند جریان منابع استراتژیک به هند و یا از آن کشور را کنترل نماید.<sup>(۱۲)</sup> ظهور طالبان در این شرایط چندان تعجب‌انگیز نمی‌باشد. مصاحبه‌های متعدد با تصمیم‌گیرندگان افغانی نشان می‌دهد که آنان هنوز قدرتمند هستند.<sup>(۱۳)</sup> جالب این است که پاکستان با تضمین خط لوله ارتباطی میان هند و قزاقستان یا ترکمنستان می‌تواند منافع زیادی داشته باشد. ایران نه تنها در جوار دو محور مهم تجاری کویته - قندهار - هرات و پیشاور - کابل - بامیان - هرات قرار دارد<sup>(۱۴)</sup>، بلکه می‌تواند از خط لوله عبوری از افغانستان نیز منتفع گردد، زیرا بیشتر نفت صادراتی این کشور به سمت آسیا جریان دارد. به‌رحال، بنظر می‌رسد که حضور نظامی آمریکا در منطقه اخیراً موجب نگرانی بیشتری شده است.

منافع ترکمنستان در افغانستان با طرحهای مربوط به احداث خط لوله از حوزه‌گازی مهم ترکمنستان در دولت‌آباد (که گفته می‌شود به عنوان پنجمین منبع بزرگ جهان محسوب می‌شود) به اقیانوس هند و پاکستان، ارتباط نزدیکی دارد.<sup>(۱۵)</sup> بنابه این دلیل، کنسرسیوم یونوکال<sup>۱</sup> احداث یک خط لوله عبوری از افغانستان را طراحی نموده است. همچنین به منظور مرتبط ساختن میدان نفتی تنگیز و کاشگان به خط لوله شمال - جنوب منطقه، قزاقستان نیز دارای منافی در افغانستان می‌باشد.<sup>(۱۶)</sup> منابع قزاقستان، پس از آذربایجان، گویا دومین منبع بزرگ منطقه محسوب می‌گردد. همچنین، ازبکستان به عنوان هشتمین تولیدکننده بزرگ گاز طبیعی در جهان، خواهان پیوستن به شبکه خطوط لوله آسیای مرکزی برای مرتبط ساختن منابع خود با اقیانوس هند و هندوستان می‌باشد.<sup>(۱۷)</sup> تاجیکستان علی‌رغم نداشتن منابع طبیعی قابل توجه، نقش بزرگی در حمل و نقل شمال - جنوب و جنوب - شمال در آسیای

1. UNOCAL

مرکزی ایفاء می نماید. (۱۸) به این ترتیب، به آخرین بازیگر همسایه یعنی چین می پردازیم. این کشور به واردات نفتی وابستگی زیادی دارد. (۱۹) دسترسی به منابع نفت آسیای مرکزی و دریای خزر یکی از موانع بزرگ موجود بر سر راه چین را از میان بر می دارد. با چنین برداشتی، چین یک بازیگر منطقه‌ای و جهانی است و روی این اصل باید همراه با آمریکا و روسیه به عنوان یک بازیگر کلیدی در «بازی بزرگ جدید» ملحوظ نظر قرار گیرد. (۲۰) مداخله اخیر آمریکا باید تحت این شرایط مورد توجه واقع شود. سیاست آمریکا از یک سو در جهت مقابله با آرمان چین برای تبدیل شدن به یک قدرت برتر اقتصادی در جهان قرار دارد و از طرف دیگر، در ممانعت از دستیابی روسیه به یک نقش مسلط در منطقه می باشد. چنین نقشی روسیه را قادر می سازد تا سیاستهای چین در زمینه انرژی را کنترل و به این ترتیب موقعیت جهانی روسیه را تقویت نماید. (۲۱)

بنابراین، از دیدگاه استراتژیک، کنترل منابع نفتی آسیای مرکزی به منزله کنترل چین و هند در درازمدت می باشد. (۲۲) این دو کشور از منابع نفت کافی جهت حصول اطمینان از توسعه اقتصادی آنها در آینده برخوردار نمی باشند.

اینک این سؤال مطرح می گردد که بزرگترین منابع تجدیدناپذیر آسیای مرکزی در کجا واقع شده و مطمئن ترین راه برای تعیین آنها کدامند؟ به این سؤال پاسخ داده شده و در این چارچوب افغانستان باید بدقت ملحوظ نظر قرار گیرد.

## نتیجه گیری

بنابه تئوری والتز، بازیگران در سطح واحد تأثیر متقابل دارند. نتایج مورد نظر آنان مبین نتایج واقعی نمی باشد، زیرا محدودیت‌های موجود در سطح سیستم‌ها مانع کنش متقابل میان بازیگران در سطح واحد می باشد. با این حال، رفتار بازیگران تا حدودی ساختار سطح سیستم‌ها را شکل داده و بر آن تأثیر می گذارد.

به طوری که گفته شد، تئوری سیستم‌ها ممکن است به ترتیب در خصوص آسیای

مرکزی و افغانستان نیز کاربرد داشته باشد. ذخایر سرشار منابع طبیعی آسیای مرکزی و موقعیت جغرافیایی آن، ساختار سیستم را فراهم می‌نماید. بازیگران، که در این حالت بازیگران دولتی و غیر دولتی می‌باشند<sup>(۲۳)</sup>، باید با الزامات ناشی از موقعیت یعنی سیستم روبرو شوند. اگر بازیگران قادر به کنار آمدن با ساختار سیستمی نباشند، پیامد کلی آن در حد مطلوب نخواهد بود. این همان وضعیت موجود در آسیای مرکزی است.

کنترل افغانستان صرفاً دسترسی بازیگران متعدد بین‌المللی به منابع استراتژیک حیاتی را تأمین نمی‌نماید، بلکه قدرت کنترل بازیگران منطقه‌ای و یا حتی بازیگران جهانی آتی را فراهم می‌سازد. همچنین، موقعیت جغرافیایی آن، کنترل بخشهایی از یکی از مهمترین کانونهای جهانی یعنی پل زمینی اوراسیا را امکان‌پذیر می‌نماید. در این زمینه، مداخله نظامی آمریکا پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ باید در آنچه که عده‌ای آن را «بازی بزرگ جدید»<sup>(۲۴)</sup> می‌خوانند، مورد ارزیابی دوباره قرار گیرد. البته ملاحظات پیشین صرفاً مطلوب نظر آمریکا نبوده و برای روسیه و چین و شاید هند و در سطح منطقه‌ای برای ایران و پاکستان نیز چنین باشد. به این ترتیب، پراکندگی منابع طبیعی را در آسیای مرکزی بطور اجمال مورد بررسی قرار داده و دریافتیم که افغانستان در بطن آن قرار دارد. با توجه به اهمیت بین‌المللی این منطقه، افغانستان کشوری است با مصادیق ژئواستراتژیک. وضعیت مناقشه‌آمیز افغانستان طی سی سال گذشته اساساً نتیجه این واقعیت و مداخله بازیگران خارجی است.<sup>(۲۵)</sup> آنها می‌خواهند اهداف مورد نظر خود را دنبال نمایند.<sup>(۲۶)</sup> اما همانگونه که تئوری سیستم‌ها می‌گوید، پیش‌بینی نتایج در سطح واحد مشکل است. به عنوان نتیجه بحث می‌توان گفت که صرفاً حصول یک توافق منطقه‌ای با در نظر گرفتن ملاحظات سیستمی می‌تواند حاصل مطلوبی را برای همه طرف‌های ذی‌نفع دربر داشته باشد. وضعیت توأم بارفاه و ثبات در افغانستان در بستر چنین توافقی قرار دارد. تحقیقات اخیر در افغانستان و روند انتخابات آن کشور نشان داد که این صرفاً یک امید واهی می‌تواند باشد.

سرانجام، پاسخ به سؤال «به نفع چه کسی؟» این است که در موقعیت کنونی «بازی بزرگ جدید» اساساً در جهت منافع آمریکا در زمینه انرژی و سیاست آمریکا در قبال چین و تا حدودی هند، می باشد. همچنین به سیاست پاکستان در خصوص هند نیز کمک می نماید. در حالی که ناظران فعالی مانند ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان فقط در حد اندکی از این وضعیت سود می برند، به نظر می رسد که روسیه در انتظار فرصت می باشد. به نظر می رسد که افغانستان تنها کشوری است که در این قضایا درگیر بوده در حالی که اصولاً سودی از آن نمی برد.

## یادداشت‌ها

۱. اصطلاح «بازی بزرگ جدید» توسط احمد رشید در مقاله وی بنام «بازی بزرگ جدید - نبرد برای نفت آسیای مرکزی» در مجله *Far Eastern Economic Review* شماره ده آوریل ۱۹۹۷ ارائه گردید.
۲. هیچ یک از موارد عقیدتی و یا مذهبی مانند نفوذ وهابی ها در افغانستان را مورد بحث قرار نمی دهیم. برای کسب مطالعات جالبی در این زمینه به Roy (۱۹۹۵) رجوع نمائید.
۳. به این ترتیب مشخص می گردد که چرا تئوری سیستمی روابط بین الملل نباید با تئوری سیاست خارجی اشتباه گرفته شود.
4. [http://Youthink.worldbank.org/glossary.php#r\[03.10.2004\]](http://Youthink.worldbank.org/glossary.php#r[03.10.2004]).
۵. اضافه نمودن «در بلندمدت» یا رهنمود بانک جهانی در مورد منابع سازگاری دارد: «کشورها باید از منابع خود بطور معقول استفاده نمایند تا از پیشرفت بلندمدت مطمئن گردند».
۶. چشم انداز موقعیت منابع تجدیدناپذیر جهان در وب سایت [http://eia.doe.gov\[09.10.2004\]](http://eia.doe.gov[09.10.2004]) در دسترس می باشد.
۷. برای مثال به «بازسازی جاده ابریشم» از انتشارات بانک توسعه آسیایی یا «پل زمینی اوراسیا» در [http://www.eirna.com/html.reports/eurasia.htm\[09.10.2004\]](http://www.eirna.com/html.reports/eurasia.htm[09.10.2004]) مراجعه کنید.
8. [http://news.bbc.co.uk/2/hi.asia-pacific/3660467.stm\[03.10.2004\]](http://news.bbc.co.uk/2/hi.asia-pacific/3660467.stm[03.10.2004]).
۹. برای آگاهی از نظرات مربوط به منابع تجدیدناپذیر افغانستان نگاه کنید به وب سایت:

<http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/afghan.html>[09.10.2004]

و یا وبسایت <http://www.worldpress.org/specials/pp/front.htm>[09.10.2004]

۱۰. نگاه کنید به وب سایت [www.eia.doe.gov/emeu/cabs/caspian.html](http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/caspian.html)[09.10.2004]

و یا وب سایت <http://www.worldpress.org/specials/pp/front.htm>[09.10.2004]

موضوع آب در این مقاله ملحوظ نگردیده است. برای نگاهی به این مقوله به (O'Hara ۲۰۰۳) رجوع شود.

۱۱. دو پژوهش جامع در این زمینه به رشید (۲۰۰۲) و کلیومن (۲۰۰۲) مربوط می‌باشد. مطالب زیادی طی

سالهای گذشته در خصوص «بازی بزرگ جدید» منتشر شده است. بعضی از آنها به این قرار است: تد زال

«بسازی بزرگ جدید: سیاست‌های مربوط به نفت در آسیای مرکزی» در

<http://www.alternet.org.story/11692>[09.10.2004]; فیونا هیل «بازی بزرگ: ۲۰۲۰ در

<http://www.brook.edu/views/articles/hill/20020712.htm>[09.10.2004] ادوارد هل مور «آمریکا در

پاسخ به بازی بزرگ»

<http://www.guardian.co.uk/Afghanistan/story/0,1284,36500,00html>[09.10.2004].

(۱۹۹۸)؛ آروانیتوپولوس (۱۹۹۸).

۱۲. مقاله اسکات بالداف در «کریستین ساینس مونیتور» تحلیلی را در مورد نحوه کنترل رقابت هند و

پاکستان در افغانستان ارائه می‌دهد: <http://www.csmonitor.com/2003/0912/p07501-wosc.html>[8.10.2004]

در مورد پاکستان رجوع کنید به: <http://www.worldpress.org/specials/pp/front>[09.10.2004] و یا

<http://www.eia.doe.gov/emeu/international/pakistan.html>[09.10.2004]

۱۳. گفتگوهای به عمل آمده با مقامات عالی‌رتبه و محققین در کابل و جلال‌آباد در ۲۵-۱۴ سپتامبر ۲۰۰۴.

۱۴. مورد دوم در آینده نزدیک احیاء خواهد شد. برای کسب اطلاعات مربوط به ایران رجوع کنید به:

<http://www.worldpress.org/specials/pp/front.htm>[09.10.2004].

۱۵. برای اطلاعات مربوط به ترکمنستان نگاه کنید به:

<http://prorev.com/bushwaroil>[03.10.2004]

<http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/caspian.html>[09.10.2004],

<http://www.worldpress.org/specials/pp/front.html>[09.10.2004].

۱۶. برای اطلاعات مربوط به قزاقستان نگاه کنید به:

<http://www.prorev.com/bushwaroil.htm>[03.10.2004]

<http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/kazak.html>[09.10.2004]

<http://www.worldpress.org/specials/pp/front.htm>[09.10.2004]

۱۷. برای اطلاعات مربوط به ازبکستان رجوع کنید به:

<http://prorev.com/bushwaroil.htm>[03.10.2004]

<http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/caspian.html>[09.10.2004]

<http://www.worldpress.org/specials/pp/front.htm>[09.10.2004]

۱۸. برای اطلاعات مربوط به تاجیکستان نگاه کنید به:

<http://prorev.com/bushwaroil.htm>[03.10.2004] و یا

<http://www.worldpress.org/specials/pp/front.htm>[09.10.2004]

۱۹. برای واردات نفت چین نگاه کنید به مقاله منتشره در "people's Daily online" تحت عنوان «واردات

نفت خام چین طی سال جاری صد میلیون تن تغییر می یابد» در سایت:

<http://english.people.com.cn/200408/03/eng20040803-151726.html>[03.10.2004]

کنید به مقاله "sify" با عنوان «میزان واردات نفت هند ممکن است به ۲۵ میلیارد دلار افزایش یابد» در سایت:

<http://sify.com/finance/fullstory.php?id=13547995>[03.10.2004]

۲۰. نظرات ما در مورد منافع روسیه در آسیای مرکزی در سخنرانی ارائه شده در چارچوب چاتام هاوز در

مجمع جهانی امنیت در سوئیس (سال ۲۰۰۴) تأیید شده است.

۲۱. برخی از شخصیت‌های افغانی تأکید کرده‌اند که روسیه هنوز از طریق ساختارهای کهن ولی باارزش،

نقش بزرگی در سیاست‌های داخلی افغانستان ایفا می‌نماید. گفتگوهای بعمل آمده در افغانستان در بین ۱۴ تا

۲۵ سپتامبر ۲۰۰۴.

۲۲. هند بطور سنتی در «بازی بزرگ جدید» شرکت ندارد. با این حال، توان اقتصادی هند می‌تواند موجب

شود تا این کشور به یکی از بازیگران تبدیل شود. برای نگاه بیشتر به مبحث هند رجوع کنید به:

<http://www.eia.doe.gov/emcu/international/India.html>[09.10.2004].

۲۳. بعضی از تئوری‌های واقع‌گرا هنوز از این ایده بهره می‌برند که کشورها به عنوان بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند. گرچه یافته‌های تحقیقات مرتبط با به اصطلاح «جنگ‌های جدید» و یا «جنگ‌های معاصر» مخالف آن می‌باشد. برای مثال نگاه کنید به:

Bayart/Ellis/Hibou (1999), Mappes - Niedek (2003), Ballantine/Sherman(2003)

۲۴. با اینکه مستندات مربوط به «طرح‌ریزی برای قرن جدید آمریکایی» صراحتاً درباره «بازی بزرگ جدید» مطلبی بیان نمی‌دارد، مع‌هذا مفهوم آنها چنین نگاهی را نشان می‌دهد. در این خصوص نگاه کنید به:

جرج بوش در سایت زیر رجوع نمائید:

<http://pilger.carlton.com/print/124754>[09.10.2004]

۲۵. علاوه بر جغرافیا و ذخایر منابع تجدیدناپذیر، تاریخ را به عنوان سومین محدودیت سیستم‌ها می‌توان نام برد.

۲۶. آثار چومسکی (۲۰۰۲) و مک مورتری (۲۰۰۱) نیز از این دیدگاه حمایت می‌کنند.

شعبه‌سکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی